

اصفهان تکنولوژی بیلی یوردوندا تورکجه کیلاسلازی قاپالاندی

بو بیلی یورددا اولان دیل و ادبیات کیلاسلازی چهارشنبه گونو رسمی شکله باغلاندی. بو کیلاسلازین قاپالانما سببی قورانلارین مجویز سیزلیگی اعلان اولوبدور. بو کیلاسلازدا تدریس ائدن دوکتور صدیق بو بیلی یورددا ایسکان و ثریلمه دن ایصفهان بیلم یوردونا گندیب، پنجشنبه و جمعه گونلری اورادا تورکجه کیلاسلاز تشکیل وئردیلر. دئمه لییک ایصفهان تکنولوژی بیلم یوردوندا اولان کیلاسلاز آلتی اوتوروم (جلسه) سورموشدو و کیلاسین اوتوروملارینین آردی ایصفهان بیلم یوردوندا اولاجاقدیر.

منبع: aznews@yahoo.com ۲۰۰۳/۴/۱۲

تبریز آزاد بیلی یوردوندا تورکجه دیل و ادبیات کیلاسلازی

بو کیلاسلاز جمعه گونو (۱۳۸۲/۱/۲۲) بیرینجی جلسه لرین باشلادیلار. دئمک لازیم دیرکی بو کیلاسلاز بو زامانا قدر غیر رسمی حالدا اؤیرنجی لرین ایله ایداره اولوب و اولور.

بو کیلاسلازین زامانی، هر جمعه، سحرچاغی ۸- دن ۱۲ قدر ۲- جو بینانین (ساختمان شماره ۲) یئرینده اولاجاقدیر و بو کیلاسین اؤیرتمن لری، دوکتور صدیق و دوکتور فیض اللهی وحید جنابلازی اولاجاقدیر.

نتیجه خبر

آذربایجان تورکجه سی، کولتور و دیل اوتورومو

بو ایل آوریل آییندا «آذربایجان تورکجه سی، کولتور و دیل» ساحه سینده بیر اوتوروم اولاجاقدیر. احتیما وار گونئی آذربایجان دان دکتر جواد هئیت جنابلازی و باشقالاریدا بو اوتوروما قاتیلینلار.

شنلیک مراسیمی

آلبان خبرلره گؤره احتمالا بو ایل آقای محمد علی قوسی (م.ع فرزانه) نین ۸۰- جی دوغوم ایلی ایچون، گوتبرگ شهرینده، آوریل آییندا شنلیک مراسیمی اورادا یاشایان آذربایجانلیلار طرفینده ن کتچیریلین.

آلمانیا آذربایجان مدنیت گونلری کتچیریلدی

مارس آیینین ۲۸- دن آوریل آیینین ۲- دک آذربایجان مدنیت گونلری کتچیریلدی.

فایق: dunyanigor@yahoo.com

۲۰۰۳/۳/۲۷

کشف تونل باستانی در شهرستان بناب

یک تونل باستانی در عمق سه متری شهرستان بناب کشف شد. رئیس اداره میراث فرهنگی بناب با اعلام این مطلب افزود: این تونل در عمق سه متری زیر زمین در منطقه «سپیگان» در ضلع جنوب غربی شهر بناب واقع شده است. عرض این تونل ۸۰ و ارتفاع آن ۱۲۰ سانتیمتر و طولش از هر دو طرف نامعلوم است. این تونل به وسیله دست کنده شده و اکنون نیز می توان جای کلنگ ها را در دیواره آن مشاهده نمود و دیواره های آن نیز دود گرفته است و نشانگر استفاده از مشعل و مواد آتشرزا در داخل این تونل می باشد.

آذربایجان ۲۷ اسفند ۱۳۸۱

لباس سوکند موزه قرآن تبریز توجه جهانگردان را به خود جلب می کند

مسئول موزه قرآن و کتابت تبریز گفت: لباس مزین به تمام آیات قرآنی در موزه قرآن و کتابت تبریز نگهداری می شود. ایوب ناظری در گفتگو با خبرنگار ایرنا افزود: این اثر منحصر به فرد به «لباس سوکند» معروف است. قدمت این اثر تاریخی و مذهبی به گفته مسئول موزه قرآن و کتابت تبریز، به اواخر دوره قاجار برمی گردد. جنس لباس مذکور از پارچه چلوار و آیات قرآنی آن به خط نسخ و با مرکب سیاه به نگارش درآمده است. ناظری گفت: این اثر مورد توجه جهانگردان داخلی و خارجی قرار گرفته است. و به رغم قدمت تاریخی، کاملاً سالم مانده است.

مهد آزادی- ۲۰ فروردین ۱۳۸۲

پخش برنامه به زبان ترکی از صدا و سیما همدان

هفته نامه «سینا» همدان در تازه ترین شماره خود خواستار پخش برنامه به زبان ترکی از شبکه استانی مرکز همدان شد. این نشریه با درج مطلبی با عنوان «ترکی را پاس بداریم» یک صفحه کامل خود را به این موضوع اختصاص داد.

هفته نامه سینا ادامه می دهد: آیا شبکه صدا و سیما استانی همدان نمی تواند و نایستی به شناساندن تمامی وجوه فرهنگی، هنری، علمی، ادبی و ... ترک زبانان همدان همت گمارد؟ چرا شبکه استانی همدان برنامه هایی تهیه نمی کند که به زبان ترکی، یعنی زبان ۷۰ درصد از جمعیت این استان باشد.

اؤیرنجی باخیشی ۱۰ - صفحه ۲ منبع: www.news.gooya.com ۸۱/۱۲/۱۲

بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران تشکیل شد!

در طول دو سال گذشته تعدادی از آذربایجانیهای مقیم تورنتو، انتاریو، هرامه دوسه بار دور هم گرد آمدند تا پیرامون مسئله زبان و فرهنگهای ایران، بویژه زبان و فرهنگ سرکوب شده مردم آذربایجان، به مشورت بپردازند. نتیجه این مشورتها نگارش و تصویب سه متن بود، تحت عنوان: «دیباچهای بر یک ضرورت»، «مشور بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران»، و «اساسنامه بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران»

دیباچهای بر یک ضرورت

حل مسئله زبان و فرهنگ اقوام و ملیتهای ایران در گرو مشارکت عموم مردم ایران، بویژه مشارکت و همکاری نزدیک کلیه کسانی است که تساوی حقوقی و دموکراتیک مردم ایران را ضرورت حیاتی پیشرفت و تعالی همه مردمان کشور خود می دانند. بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران امیدوار است که در راه کسب تساوی حقوقی، مدنی و فرهنگی مردم ایران، بویژه آذربایجانیهای ایران گامهای مثبت و سازنده بردارد.

لیست اسامی اعضای هیأت مؤسس بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران:

حسین آریائی، علیرضا اصغرزاده، سیامک بدیهی، رضا براهنی، علی پسیان، هاشم خسروشاهی، شهریار رحمانیان، پرویز رضائی، یوسف ساوالان، بهروز سیمائی، بهروز شریبائی، رسول شعفی، عارف عاقلی، عظیم عباسی، علی فرجهلوی، هوشنگ کاظمی، علی کشاورزی، بهمن کیتاش، محمدحسین مرتضوی، رضامردی، خلیل ورمزیاری

مشور بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران

- نام: بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران

- بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران سازمانی است غیرانتفاعی که با هرگونه سانسور آراء، اندیشه ها و زبانها مخالف بوده و طرفدار آزادی اندیشه و بیان بی هیچ حصر و استثناست.

- بنیاد باهرگونه خشونت، تبعیض و تحقیر نژادی، مذهبی، جنسی، عقیدتی و سم پراکنی علیه گروهها، ملیتها و اقوام و افراد، و نیز با هرگونه تفرقه افکنی بین ملیتها و اقوام و نژادهای ایران در داخل و خارج از کشور، مخالف است.

- بنیاد به هیچ تشکیلات دولتی، سیاسی، مذهبی، نژادی و ملی وابسته نیست.

- بنیاد به عنوان مؤسسههای غیر انتفاعی میتواند هدایا و کمکهای افراد و موسسات را در جهت پیشبرد هدفهای خود بپذیرد.

- بنیاد با برگزاری شبهای شعر و ادبیات و کنسرت موسیقی و نمایش تئاتر و فیلم و نیز سمینارها و جلسات فرهنگی و نمایشگاههای هنری و چاپ نشریات به ترویج و اشاعه زبان و فرهنگ ترکی آذری (بخوانید آذربایجانی) کمک می کند.

- بنیاد در جهت شناساندن تاریخ آذربایجان، و میراث فرهنگی و ادبی آذربایجان ایران به سایر فرهنگها، بویژه فرهنگهای ایران، از طریق برقراری ارتباط با انجمنها و موسسات فرهنگی آنان و نیز برگزاری برنامه های مشترک تلاش میکند.

- بنیاد با ایجاد کلاسهای زبان ترکی آذری (بخوانید آذربایجانی) به اشاعه و گسترش زبان و ادبیات ترکی آذری (بخوانید آذربایجانی) کوشش می کند.

- برنامه های فرهنگی و اجتماعی بنیاد به زبانهای ترکی آذری (بخوانید آذربایجانی)، فارسی، انگلیسی، و بسته به سخنران و مخاطبان به هر زبان دیگر برگزار می گردد.

- مکاتبات اداری و فرهنگی بنیاد برحسب نوع زبان مخاطب به زبانهای ترکی آذری (بخوانید آذربایجانی)، فارسی و انگلیسی است.

- تنظیم کنندگان و امضا کنندگان اولیه این منشور و اساسنامه و «دیباچه ای بر یک ضرورت» هیأت مؤسس بنیاد هستند، که برای درج در تاریخ بنیاد نامشان قید می شود، اما پس از تشکیل مجمع عمومی، آنها نیز در شمار اعضای عادی بنیاد درخواهند آمد.

- مرکز بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران، در شهر تورنتو، استان انتاریو، در کشور کاناداست.

- بنیاد میتواند با موسسات مشابه که فعالیت آنها منافاتی با چارچوب اصول «دیباچه ای بر یک ضرورت»، منشور و اساسنامه «بنیاد زبان و فرهنگ آذربایجان ایران» نداشته باشد همکاری نماید.

منبع: tribun.com 2003/4/5

در حاشیه جنگ آمریکا و انگلیس علیه عراق

قسمتی از تفسیر روزنامه "پراودا" - مسکو:

آنچه با جنگ شروع می شود با جنگ جهانی

خاتمه می یابد

برخی مفسران بر این نظرند که آمریکا روی نقشه جهان در جبهه شمالی خود قفقاز را علامت گذاری کرده است. در اینجا باید کمی به تاریخ بازگشت. در آستانه جنگ جهانی دوم، در ستاد کل آلمان، مارش نظامی به سمت قفقاز از خاک ترکیه و ایران برنامه ریزی شده بود. هدف آن مارش محاصره منابع نفت در گرجستان و باکو بود و از این راه، ارتش سرخ را از سوخت محروم ساختن. ارتش هیتلری از اتریش، مجارستان، رومانی و بلغارستان باید راه ترکیه و ایران را در پیش می گرفت.

حکومت آن دوره در مسکو، این مسئله را جدی گرفت و در مرز جنوبی خود نیروی هوایی عظیمی را بسیج کرد. سالها بعد مشخص شد که ترک ها با تجربه از جنگ های تاریخی ۲۰۰ ساله میان روسیه و ترک ها که در پایان همه آنها چیزی نصیب ترک ها نشد، این بار صلاح خویش را در گلاویز نشدن با همسایه مصمم خویش دیدند. آنها خود را کنار کشیدند و این درحالی بود که نیروی عظیم ارتش آلمان از آنها پشتیبانی می کرد.

اکنون تاریخ تکرار می شود. البته حمله آمریکا به قفقاز از راه ترکیه می تواند موفقیت آمیز باشد. شورانگیزه در رؤیاهای خویش ارتش ناتو را در کشورش می بیند. دیگر جمهوری های ماوراء قفقاز، حتی اگر بخواهند با آمریکا مقابله کنند نیز نیروی نیستند. روسیه باید پایگاه و نیروی اندک خویش را از این مناطق بیرون برد و بدین گونه سایه نفوذ او از قفقاز خارج می شد. در ترکیه هم در سطح حکومتی مسائلی بررسی شده و تصمیم بر آنست که خود را به دام نیاندازند.

منبع: pyknet.com 2003/3/22

طالبانی:

بوش، خاورمیانه را آزاد می کند!

روزنامه گاردین نوشت: جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق اعتقاد دارد که آمریکائیان برای آزادی عراق آمده اند.

وی در گزارش خود از آنکارا، طالبانی را سمبل شجاعت، عقل و دوربینی می خواند. براساس این گزارش، طالبانی به این خبرنگار گفته است: بوش یک چرچیل دیگر است؛ قهرمانی که نه تنها عراق، بلکه خاورمیانه را از دیکتاتوری آزاد می کند.

طالبانی افزود: وقتی هیتلر قدرت را دست گرفت، چرچیل تنها صدا علیه او بود، ولی بعد وی به قهرمان آزادی اروپا تبدیل شد.

وی با تأکید بر این که بریتانیایی ها بزودی خواهند فهمید گفت: خواهید دید که همه خواهند گفت: «تونی» تو راست می گفتی! تو حق داشتی! تو بهترین کار را کردی! تو آزادیبخش بودی.

براساس این گزارش، طالبانی به این خبرنگار همچنین گفت که لحظه کنونی لحظه ای است که وی در طی ۵۰ سال گذشته انتظار آن را داشت.

طالبانی گفت: آمریکا برای آزادی کشور ما آمده است. به ما مردم عراق قول خودمختاری و جایگزین کردن دیکتاتوری با یک سیستم دموکراتیک فدرال داده اند.

طالبانی می گوید: من در سنی نیستم که در رؤیا باشم، بلکه باید بتوانم هر چه که ممکن است، برای مردم کرد بدست آورم. به گفته وی، اتحاد ملتی که تجزیه شده غیر واقعی و خیلی خیلی دشوار است. وی عرب ها را مثال زد و افزود: فقط به عرب ها نگاه کنید. آیا آنها دوباره می توانند متحد شوند؟ حتی دو کشور همسایه عرب نمی توانند با هم متحد شوند، گرچه همیشه ادعای اتحاد می کنند.

منبع: aznews@yahoo.com 2003/3/27

وزیر دفاع انگلیس اطمینان داد:

جنگ در خاورمیانه گسترش نخواهد یافت

وزیر دفاع انگلیس، طرح هرگونه بحث میان خود و همتهای آمریکایی اش، در مورد گسترش تهاجم نظامی به عراق به سوی سوریه و ایران را تکذیب کرد. به گزارش ایرنا «جف هون» در نشست مجلس عوام بریتانیا گفت: تاکنون هیچ گفتگویی میان ما و آمریکائیان درباره تهدید گسترش جنگ عراق به سوریه و ایران، صورت نگرفته است.

مهد آزادی - ۲۰ فروردین ۱۳۸۲

جنگ باعث کاهش مسافرت نروژی به

آذربایجان شرقی شد

مسئول ستاد نروژی ایرانگردی و جهانگردی آذربایجان شرقی گفت بحران جنگ آمریکا و عراق سبب کاهش مسافران نروژی به این استان شده است. روحانی افزود: با شروع جنگ بیش از ۸۰ درصد از مسافران نروژی اماکن رزرو شده خود در این استان را لغو کردند.

آراز - ۱۸ فروردین ۱۳۸۲

گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا درباره

حقوق بشر

وزارت امور خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود پیرامون حقوق بشر در جهان که بصورت کتاب منتشر شد، ایران را در صدر لیست ناقضین حقوق بشر در جهان قرار داد. در این گزارش تصریح شد که در سال ۲۰۰۲ وضعیت حقوق بشر در ایران به نسبت گذشته بدتر شده است.

از آنجا که معمولاً این گزارش کار پایه بررسی حقوق بشر توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار می گیرد، بسیار محتمل است که این سازمان در گزارش سالانه خود جمهوری اسلامی را بدلیل نقض حقوق بشر محکوم اعلام دارد.

هم گزارش وزارت امور خارجه آمریکا و هم گزارش سالانه سازمان ملل متحد - در صورت محکوم کردن ایران بدلیل نقض حقوق بشر - می توانند زمینه های مناسبی برای آن جنگ روانی شوند که گفته می شود در فاصله سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ قرار است افکار عمومی جهان را آماده دخالت مستقیم آمریکا و سازمان ملل در امور داخلی ایران کند.

منبع: peiknet.com ۱۲ فروردین ۱۳۸۲

سفیر عراق (دولت صدام):

دولت بغداد «جمهوری قره باغ» را به رسمیت

نمی شناسد

سفیر عراق در جمهوری آذربایجان اعلام کرد، دولت بغداد «جمهوری قره باغ» را به رسمیت نمی شناسد و بنابراین شهروندان این کشور نمی توانند با مردم قره باغ ارتباط برقرار کنند.

عبدالحسین، سفیر عراق در جمهوری آذربایجان گفت، دولت این کشور با هر شهروندی که با ساختارهایی که از سوی دولت عراق به رسمیت شناخته نمی شود؛ ارتباط داشته باشند، برخورد خواهد کرد.

منبع: ایسنا ۱۳۸۲/۱/۱۵ کد خبر: 201-01928

تبانی آمریکا و ترکیه علیه معارضین عراق

(اکراد شمال عراق)

یک منبع آگاه در گفتگو با بازتاب از تبانی ترکیه و آمریکا علیه معارضین کرد و نیروهای متمایل به ایران در شمال عراق پرده برداشت.

وی گفت: پس از تصرف کرکوک و خانقین توسط معارضین کرد، ترکیه به تحریک آمریکا به تهدید معارضین پرداخت تا نیروهای کرد که نزدیکی زیادی با ایران دارند، بر شمال عراق تسلط پیدا نکنند.

منبع: www.baztab.com

خرافه های نژادی

آیت الله مطهری، فیلسوف ۱۳۴۹

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خونها و نژادها خرافه های بیش نیست. نژاد سامی و آریایی و غیره بصورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است. اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است. بسیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسی زبانند و داعیه ایرانی گری دارند، یا عربند یا ترک یا مغول. همچنان که بسیاری از اعراب که با حماسه زیاد دم از عربیت می زنند از نژاد ایرانی یا ترک یا مغول می باشند.....

پس آنچه به نام ملت فعلاً وجود دارد، این است که ما فعلاً مردمی هستیم که در یک سرزمین و در زیر یک پرچم و با یک رژیم حکومتی و با قوانین خاصی زندگی می کنیم. اما اینکه نیاکان و اجداد ما هم حتی ایرانی بوده اند یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمی دانم. اگر ما ایرانیان بخواهیم بر اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم. یعنی از این راه بزرگترین ضررت را بر ملت ایرانی (؟) زده ایم.

روزنامه ایران - ستون عبور از فروزه - سه شنبه ۱۹

فروردین ۱۳۸۲

نسل کشی آذربایجانیها توسط ارمنه

بسمه تعالی

مسئولان محترم کشور؛

همانطوری که مستحضرید جامعه بشری همه ساله حوادث تلخ و ناگواری را تجربه می‌کند و علی‌رغم آرزوی دیرینه بشر برای داشتن جامعه‌ای آزاد و توأم با صلح، آرامش و عدالت، از گوشه و کنار این کره خاکی بر طبل جنگ، قتل و کشتار کوبیده می‌شود. حس و خوی برتریت‌جویی، زیاده‌طلبی، آرمانهای قومی - مذهبی کذایی و جهالت از عوامل اصلی آغاز جنگها، قتل و عامها، غارت و چپاولها و در نهایت ننگین کردن دامان بشری است که بنا به اعتقاد ما مسلمانان و اکثر مردم دنیا می‌تواند اشرف مخلوقات باشد.

آرزوی بشر قرن بیست و یکم، داشتن جامعه‌ای جهانی است که در آن صلح، گفتگو، عدالت، آزادی و رفاه جایگزین جنگ، برخورد، تبعیض، دیکتاتوری و مشقت گردد. از اینرو طرح گفتگوی تمدنهای مطرح شده از سوی آقای سید محمد خاتمی (ریاست محترم جمهور) و تعیین سال ۲۰۰۱ میلادی به عنوان سال گفتگوی تمدنها از طرف سازمان ملل متحد را می‌توان از گامهای مثبت و ارزنده‌ای دانست که در این راستا برداشته شده است.

در این میان، مسلمانان بیش از همه پیروان مذاهب و ادیان مختلف اسیر تسویه حسابهای متعصبان مذهبی بوده‌اند؛ در حالی که این برخلاف رسالت اصلی همه ادیان و مذاهب یعنی برقراری صلح، دوستی و برابری در جهان است. از نمونه‌های بارز این موارد می‌توان به جنگهای صلیبی، قتل و عام مسلمانان بلغارستان، ... در گذشته و در سده اخیر به قتل و عامهای مردمان مسلمان فلسطین، بوسنی و هرزگوین، کوزوو، چین، ترکستان شرقی چین، قره باغ، اورمییه، خوی، سلماس و ... اشاره کرد.

مسئولان محترم جمهوری اسلامی ایران، همانطور که مستحضرید همه ساله مصادف با ۲۴ آوریل، ارمنه کشور با اخذ مجوز از «وزارت محترم کشور» با جمع آوری ارمنه نقاط مختلف کشور، با یادآوری ناصحیح حوادثی که حدود یکصد سال پیش در کشوری دیگر و همزمان با فروپاشی امپراطوری بزرگ اسلامی عثمانی روی داده است، علیه یک کشور اسلامی و مردم آن و در بعضی مواقع علیه «ترکها» - که به نوعی ترکهای ایران را نیز شامل می‌شود - شعار می‌دهند. اگرچه این حوادث در خارج از کشور ما روی داده است، ولی یادآوری ناصواب همه ساله این حوادث در کشوری که به عنوان «ام القری» اسلام شناخته می‌شود، برای ما غیر قابل تحمل می‌نماید. اگر نگاهی بدور از تعصب به حوادث اتفاق افتاده در زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی داشته باشیم، خواهیم دید که چگونه استعمار پیر انگلیس توانست به همراه شریکان اروپایی خود و با استفاده از جاسوسان زبردستی چون «لورنس عربستان» و قومیتهای غیر مسلمان بویژه ارمنه، این امپراطوری را که به نوعی سمبل عظمت دول و ملل مسلمان بود تجزیه نماید؛ تجزیه‌ای که تبعات آن هنوز هم که هنوز است از بین نرفته است و آمریکا و انگلیس با استفاده از شرایط قومی و جغرافیای سیاسی کشورهای بوجود آمده از فروپاشی امپراطوری عثمانی، به دنبال استعمار دوباره ملل مسلمان افتاده‌اند. در گیرودار آن حوادث بود که ارمنه ساکن در عثمانی به عنوان ستون پنجم انگلیس و اروپائیان عمل کرده و از پشت جبهه به مسلمانان خنجر زدند.

حوادث سیصد سال اخیر منطقه آسیای میانه، قفقاز و خاورمیانه نشان از ستیز بی امان روسهای تزاری و شوروی علیه مسلمانان منطقه، بویژه ترکها و آذربایجانیها می‌باشد. چه کسی می‌تواند حوادث جنگهای ایران و روس را با آن قراردادهای ننگین ترکمنچای و گلستان فراموش کند؟ قراردادهایی که قسمت اعظم خاک کشور را به یوغ استعمار روسها سپرد و ملت آذربایجان را تکه تکه کرد!

متأسفانه ارمنه هم در زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی و هم در طی جنگهای ایران و روس با تهیه قشون و خیانتهای آشکار به مردمان کشورهای می‌کردند، لکه ننگی در تاریخ خود و بشریت برجای گذاشتند. ارمنه کشور همه ساله در حالی که باز کردن اوراق مشکوک و ساختگی تاریخی می‌پردازند که برگهای خونین و سیاهی را در تاریخ جهان، خود و ایران بجای گذاشته‌اند. چه کسی می‌تواند قتل و عام خونین حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر از مردم مظلوم اورمییه، سلماس، خوی و ... را که هم زمان با نسل کشی ادعائی ارمنه رخ داده است، فراموش کند؟ مگر مردم مظلوم و مسلمان آذربایجان که با آغوش باز ارمنه مهاجری را که بواسطه خیانت به کشور خود رانده شده و به ایران پناه آورده بودند پذیرفتند، چه گناهی داشتند که باید مورد قتل و عام وحشیانه ارمنه قرار می‌گرفتند؟

در این میان، در طول سده گذشته در منطقه قفقاز شاهد نسل‌کشی و اخراج دسته جمعی مردم آذربایجان توسط ارمنه‌ای بوده‌ایم که در آرزوی ایجاد ارمنستان بزرگ بیش از یک میلیون نفر آذربایجانی و مسلمان را در یکصد و پنجاه سال اخیر قتل و عام کرده‌اند. اکثریت کشور ارمنستان فعلی متعلق به آذربایجان و مسلمانان بوده است که در طول دو سده اخیر با حمایت مزدورانه روسها و بعضی کشورهای غربی به اشغال ارمنه در آمده است. هزاران سند تاریخی وجود دارد که نشان می‌دهد قسمتهای زیادی از کشور ارمنستان فعلی همچون ایروان (پایتخت)، زنگه‌زور، گوئیجه و ... متعلق به مسلمانان و آذربایجانیان بوده که در طول سالهای سلطه روسها بعد از عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای بویژه در دوران حکومت شوروی با تصفیه‌های نژادی ارمنه مواجه گشته و مسلمانان ساکن در آن مناطق از سرزمین اجدادی خود رانده شده‌اند.

علاوه بر این، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ارمنه افراطی به تحریک و حمایت مستقیم و غیر مستقیم نظامی و غیر نظامی روسها و بعضی از کشورهای منطقه و غربی با یورش همه‌جانبه ضمن اشغال بیش از بیست درصد از خاک جمهوری آذربایجان برگهای ننگینی را بر صفحات تاریخ بشری و خویش افزودند که هرگز از یادها فراموش نخواهد شد. در این اشغال فجیعانه، هزاران زن و کودک، سالخورده و انسان مظلوم در معرض انواع هتک حرمتها، سلاخیها و وحشی‌گریها قرار گرفتند که چشمها از دیدن تصاویر آن جنایتها خون می‌گرید. هزاران بی‌گناه در خوجالی، کلبجر، آغدام، شوشا، قره‌باغ و ... بطور زنده گوش، بینی، دست و سر بریده شدند و سپس وحشیانه به شهادت رسیدند. مظلومیت ملت آذربایجان در این است که علی‌رغم اشغال هزاران کیلومتر مربع از سرزمینشان، قتل و عام هزاران انسان بی‌گناه و آوارگی بیش از یک و نیم میلیون نفر که هنوز هم که هنوز است، در چادرها و کانتینرها زندگی می‌کنند، صدای دادخواهیشان آنچنان که بایسته و شایسته است، در جهان شنیده نشده است.

مسئولین محترم، بر اساس بند دوم قطعنامه ۹ دسامبر ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد، قتل و عام به یکی از اعمال: «کشتن اعضا، گروه، وارد کردن آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضا، گروه، تحمیل عمدی شرایطی به گروه به منظور نابودی فیزیکی تمام یا بخشی از آن، تحمیل مقرراتی بمنظور پیشگیری از زاد و ولد در داخل گروه و انتقال اجباری کودکان گروه به گروهی دیگر» اطلاق می‌گردد. از اینرو کشتار بیش از یک میلیون نفر از مردم مظلوم و مسلمان آذربایجان بویژه مردم اورمییه، خوی، سلماس و ... و اشغال منطقه وسیعی از جغرافیای سیاسی و تاریخی آذربایجان توسط ارمنه افراطی در طول یک و نیم قرن گذشته، نمود عینی «نسل کشی»، «قتل عام» و «جنایت علیه بشریت» می‌باشد که باید در اذهان بیدار بشریت زنده بماند.

گوشه ای از موارد مطرح شده از سوی مقامات رسمی و رسانه های

ایالات متحده آمریکا علیه ایران در عرض ۲۴ ساعت

دیک چنی معاون بوش:

«جنگ با ترور از طریق مبارزه با کشورهای حامی تروریسم ادامه می یابد.»
دیک چنی سیاستمدار متنفذ آمریکایی و معاون ریاست جمهوری این کشور، روز گذشته تاکید کرد: ایالات متحده آمریکا باید با تمام قدرت، با تروریسم و کشورهای حامی آن مقابله نماید. جمهوری اسلامی ایران کشوری است که وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا نام آن را در صدر فهرست دولتهای حامی تروریسم جهان قرار داده است.

جرج ت. تنت رئیس سیا:

سیا با صراحت در گزارش خود چنین آورده است: «نقش روسیه در کمک به ایران برای تکمیل پروژه های هسته ای، توانایی تهران برای حمایت از برنامه گسترش سلاحهای هسته ای را به روشنی تقویت می کند.»

براد شرمین عضو کمیته مالی مجلس نمایندگان آمریکا:

«وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا و نمایندگان آن کشور با اعطای هر نوع کمک از سوی بانک جهانی به ایران به شدت مخالفت خواهند کرد.»
همچنین سناتور براد شرمین - از اعضاء متنفذ کمیسیون اقتصادی مجلس نمایندگان نیز، از رئیس جمهوری، وزیر خارجه و سنا درخواست نمود مانع اعطای کمک ۷۵۰ میلیون دلاری بانک جهانی به تهران گردند. تونی فراتو سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا به صراحت شرایط نابسامان اقتصادی - سیاسی در ایران را موجب ابهام در کارایی و تاثیر هر نوع کمک اقتصادی به این کشور دانست.
ظاهرا دولت ایران متقاضی دریافت ۷۵۰ میلیون دلار وام برای ۲ سال آینده می باشد.

لس آنجلس تایمز:

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاشهای خود را برای ایجاد تفرقه در بین گروههای معارض عراقی آغاز نموده است»

پاسیفیک نیوز:

فیت مسئول USDP وزارت دفاع: «همه شواهد حاکیست ایرانیان برای جنگ با ایالات متحده آماده می شوند»

ویلیام بیمان مدیر مطالعات خاورمیانه دانشگاه براون:

(با درج مقاله ای در پاسیفیک نیوز)

«حمله ایالات متحده آمریکا به ایران یقیناً پرهزینه تر و پیچیده تر از عملیات نظامی علیه عراق خواهد بود، چرا که ایران کشوری است با وسعتی چهار برابر و جمعیتی ۲ برابر عراق و سلسله جبال و همچنین صحراهایی که ایالات متحده را در جنگ زمینی با مشکل مواجه خواهد ساخت و به نظر می رسد جمعیت جوان کشور از آمادگی تامین یک نیروی نظامی ۱۰ میلیون نفری مرکب از مردان برخوردار باشد. اخیراً فرمانده ارتش ایران ژنرال (؟) «سلمی» از نیروهای تحت امر خویش خواسته است خود را برای پاسخگویی به هر نوع تهدید خارجی آماده کنند. در همین حال سخنگوی وزارت خارجه ایران حمید رضا آصفی نیز اعلام داشته است: (ما اعتنايي به تهديد نظامي ایالات متحده نداریم، اما اظهارات آصفی را می بایست در واقع چنین دانست: ایران به شدت نگران تهدیدهای ایالات متحده آمریکا می باشد.)

منبع: gooya/news.com جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۸۲

از اینرو ما تشکلهای، نشریات و نویسندگان آذربایجانی ضمن محکوم کردن هرگونه نسل کشی و جنایت علیه بشریت، خواستار محکومیت و به رسمیت شناخته شدن «نسل کشی» ملت مظلوم آذربایجان توسط ارمنه در طول یک و نیم قرن اخیر از سوی حکومت جمهوری اسلامی ایران، بویژه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، کمسیون حقوق بشر اسلامی، تشکلهای و گروههای سیاسی کشور، جامعه ارمنه کشور، نهادها و کمسیون های بین المللی و وجدانهای بیدار و آزاد جهانی هستیم.

تشکلهای، نشریات و نویسندگان و شخصیتهای امضاء کننده:

تشکلهای: اتحادیه نهادهای مدنی آذربایجان (بیرلیک)، آذربایجان مدنیت اوجاقی، انجمن جوانان اورمیه (بوتا)، مجمع دانشگاهیان آذربایجانی، مرکز تحقیقات فرهنگی چاغریکام، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان (آسمک)، مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جان آذربایجان، چیچک لر قورولوشو، جمعیت جوانان آذرتوپراق، کانون علمی فرهنگی ایشیق، جمعیت زنان آذر، کانون فرهنگی - هنری سئوینج اورمیه، کانون نویسندگان ارومیه، انتشارات زینب پاشا، انتشارات اندیشه نو

نشریات دانشجویی: اویاتیش (دانشگاه ارومیه)، اولدوز (دانشگاه ارومیه)، اولکه (دانشگاه ارومیه)، اردم (دانشگاه تهران)، ایشیق (دانشگاه علم و صنعت)، آراز (دانشگاه شهید رجائی تهران)، اولدوز (دانشگاه تهران)، اؤیرنجی (دانشگاه امیرکبیر تهران)، اؤیرنجی باخیشی (دانشگاه امیر کبیر تهران)، آراز (دانشگاه تبریز)، آذر (دانشگاه آزاد تبریز)، سحر (دانشگاه تبریز)، جیرتدان (دانشگاه شید رجائی تهران)، یاغیش (دانشگاه تهران)، حیدربابا (دانشگاه تهران)، دوزگون خیر (دانشگاه تهران)، چاغری (دانشگاه خواجه نصیر)، گونش (دانشگاه تربیت معلم آذربایجان)، دان اولدوزو (دانشگاه صنعتی اصفهان)، ایشیل یول (دانشگاه پیام نور خوی)، یول (دانشگاه تهران)

نویسندگان و شخصیتهای: محمدزاده صدیق (دوزگون)، میرحمود یکانالی (نماینده اورمیه در مجلس)، صمد سرداری نیا، آیرملو، علی حسین زاده (داشقیقین)، حسن دمیرچی، زهره وفایی، اکبر آزاد، یعقوب تقوی، رسول کامران، بهرام اسدی، کیان صفری، حمید شافعی، منوچهر عزیززی، محمد ستاری، آیدین صادقی، محمد اسدی فانید، احمد محدث، خالط آبادی، تقی سلحشور، کاظم قوچی، فرزاد صمدلی، ایلقار مردنلی، تایماز خدائی، سعید نجاری، حسن م جعفرزاده، علی محمدی، حمید آرغیش، ابوالفضل نصیری، یوسف اصغری، غفار ابراهیمی، عیوض شیرین زاده، فریدون خدایی، بهرام حق پرست (انلچین)، علی حسن زاده، سجاد رادمهر، رضا رضایی، محمد شکری، میرهاشم اسمائیلی، اصغر اسدی، جواد حسین زاده، امیر رضا صیادی، محمد ایمان پور، ناصر ممی پور، علی ناصری، عباس دهقانی، اسماعیل محمدی، سعید رضوی زاده

نکته:

لازم به ذکر است که امضای این نامه همچنان ادامه دارد و تشکلهای، نشریات و شخصیتهای دیگری آنرا امضاء خواهند کرد.

درخواست تحصن آرام در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در تهران

اکثر تشکلهای، نشریات، نویسندگان و شخصیتهای آذربایجانی فوق الذکر، طی نامه ای دیگر به استانداری تهران، خواستار اعطای مجوز برای برگزاری **تحصن آرام** در مقابل **دفتر سازمان ملل متحد** در تهران شدند. در صورت اعطای مجوز، این تحصن از ساعت ۱۰ الی ۱۲ قبل از ظهر در روز پنجشنبه مورخه ۱۳۸۲/۲/۴ برگزار خواهد شد.

باز هم تحقیر و توهین به قومیتها و ملل ایران

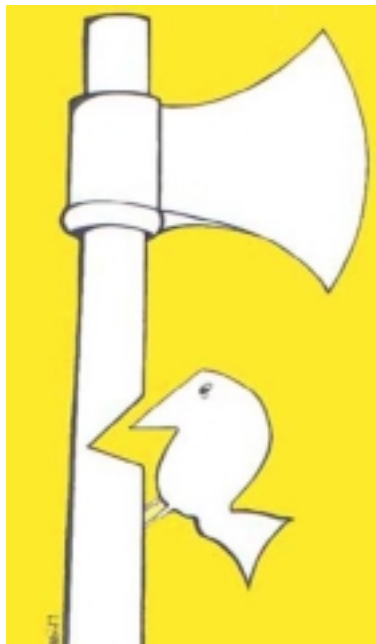
حمید والایی

این مقاله بنا به پخش یک فیلم سینمایی (با موضوع هدف دار تحقیر اقوام و ملل ایران)، به نام «یک روز معمولی» در روز دوشنبه مورخه ۱۳۸۲/۱۱/۱۱ از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران، نوشته می شود.

۹. به کارگیری سیستم سانترالیسم در مورد سرمایه گذاریهای اقتصادی در کشور (بطوریکه مناطق فارس نشین که اکثراً در مرکز ایران قرار دارند، توسعه یافته تر شده و مناطق غیر فارس و مرز نشینان، هر روز به محرومیتشان افزوده می شود)

۱۰. جعل و تحریف تاریخ واقعی ایران
موارد ذکر شده در بالا تنها نمونه کوچکی از تحقیرهایی است که در این چند دهه اخیر به اقوام غیر فارس می شود.

در طول تاریخ همواره در برهه های مختلف تاریخی، ترکها و دیگر اقوام ایرانی نقش مهمی ایفا کرده اند. اما چون اکثر حرکتها ملی و آزادیبخش از آذربایجان شروع شده، این خاری شده است در چشم دشمنان این ملت؛ و در نتیجه همواره به وسیله سیاستهای مختلف، سعی در از بین بردن این بیداری و همچنین سعی در خفه کردن این ملت اصلاح طلب برآمده اند. حالا این سوال مطرح می شود که آیا صحیح است که یک ملت اصلاح طلب و متمدن را اینگونه با کج



اندیشیه و غرض ورزیه مورد تحقیر و توهین قرار دهند؟ ملتی که در طول تاریخ این سرزمین همواره سعی در ایجاد وحدت ملی داشته و همواره منشأ حرکتهای آزادیبخش بوده، که از نمونه های بارز آن در دوره معاصر می توان انقلاب مشروطیت، انقلاب ۱۳۵۷ و شرکت پرشور در جنگ تحمیلی را نام برد.

دشمنان ایران از طریق افراد مزدور در ایران سعی کرده اند وحدت ایرانیان را از بین ببرند و در این میان بوسیله سیاستهای کثیف خود خواسته اند این وحدت را از بین ببرند که اکثر این سیاستها نیز بوسیله تحقیر و توهین به ملل و اقوام غیر فارس ایران صورت گرفته است. نمونه بارز آن، فیلم ذکر شده می باشد.

امروزه دموکراسی یکی از مفاهیمی است که باید در ایران نیز رعایت شود. ولی آیا بوسیله این غرض ورزیه و سیاستهای کثیف می توان آن را بکار بست؟ آیا در این صورت می توان انتظار تدویم وحدت ملی را داشت، یا نه؟ صدا و سیما به عنوان مرکزی است که باید همواره در ایجاد وحدت نقش مهمی را ایفا کند، ولی به نظر می رسد برعکس این عمل می کند و تا به حال شاهد موارد زیادی بوده ایم که موجب کمرنگ شدن وحدت شده است و مطمئناً اگر غرض ورزان و مزدوران از این نهاد و نهادهای دیگر به دور انداخته نشوند، همواره شاهد شکاف بیشتر در میان ملل و اقوام ایران خواهیم بود.

مردم ایران از ترک، عرب، کرد، فارس، لر و ... همگی باید سعی کنند در مقابل این سیاستهای از پیش تعیین شده واکنشهای تندی نشان دهند و با عدم سکوت خود به دستیابی اهداف این اشخاص کمک نکنند.

هموطنان فارس زبان ما هم متوجه باشند که هر چقدر این توهین ها از طرف افراد کج اندیشی که از میان آنها و یا حتی از بیرون، ولی به وسیله زبان آنها قصد اهانت و توهین ملل و اقوام ایران را داشته باشند، همواره نگاهها به طرف ایشان نیز عوض خواهد شد. و این خود ضربه ای مخفی است که به شما نیز وارد می شود. پس باید شما هم در مقابل این افراد واکنش نشان دهید.

چون در این فیلم و در اکثر موارد، توهین و تحقیرها اکثراً به مردم ترک زبان می باشد، باید این نکته را یادآوری کرد که ملت ترک جواب این کج اندیشیان را به طرق مختلف خواهند داد و این غرض ورزان مطمئن باشند که همیشه حق پیروز است.

در روز دوشنبه مورخه ۱۳۸۲/۱۱/۱۱ فیلمی از شبکه ۱ سیمای ایران پخش شد که در ابتدای آن انتظار می رفت فیلمی اجتماعی و فرهنگ ساز باشد، ولی بعداً مشخص شد که هدف اصلی فیلم چیزی غیر از تحقیر اقوام و ملل ایران نمی باشد و هر بیننده عاقلی می توانست مفهوم اصلی فیلم را که همان سیاستهای کثیف تحقیر قومیتها و ملل غیرفارس بود، را بفهمد. بله باز هم یکی از رسانه های جمعی که بیشترین مخاطب را دارد و به جای اینکه دست به فرهنگ سازی بزند، بازهم به نوعی دیگر دست به تحقیر و فرهنگ کوبی یک قوم و ملت (و یا بهتر بگویم چند قوم و ملت غیر فارس) دست زده است. به طوریکه در این فیلم تمامی مامورین جمع آوری کننده زباله و چند دوره گرد و همچنین یک مرد بی ادب را ترک کرده بودند و برای اینکه ترکها را مردمی بی فرهنگ و بی ادب نشان دهند، صحنه ای را طراحی کرده بودند که در آن دو نفر به زبان ترکی حرفهای رکیزی به هم می زدند. این در حالی است که یک اصفهانی را مردی باشرافت نشان داده بودند. و در اینجا معلوم

نیست که چرا از میان مردم ترک یا از دیگر اقوام غیر فارس چنین شخصی را برگزیده اند. (این در حالی است که در شهر تهران تجار، مهندسین، صاحبان هنر و افراد باشخصیتی وجود دارند که ترک هستند و تعداد این افراد نسبت به شخصیتهای پایین و منفی مورد توهین در رسانه های جمعی بیشتر است) و تا به حال می توان با اطمینان گفت که در اکثر موارد شخصیتهای پایین و منفی از میان ترکها و دیگر اقوام غیر فارس تعیین شده است.

بله این خلاصه ای از یک فیلم می باشد که بجای اینکه مفهومی اخلاقی ارائه دهد، با جذب مخاطب می خواهد دست به تحقیر فرهنگهای غیر فارسی بزند. شاید عده ای باشند که این مورد را سهل انگاری یا بی تفاوتی و ... بدانند و اعتراض در این مورد را بی مورد بدانند، اما آیا یک انسان عاقل و فهیم نیز می تواند اینطور قضاوت کند؟!

مطمئناً جواب منفی است، چرا که این مورد و امثال این مورد همیشه تکرار شده و این نشان از یک سیاست کثیف می دهد که از زمان رژیم منحوس پهلوی شروع شده و تا به حال نیز ادامه دارد. بطوریکه شونیستهای ایرانی با کینه هایی که از ملت ترک ایران دارند، همواره از زمان رژیم منحوس پهلوی سعی در تحقیر و نابودی این ملت برآمده اند. نمونه ای از این طرحهای کثیف عبارتند از:

۱. ایجاد صندوق جریمه در مدارس و توهین به افرادی که ترکی حرف بزنند (این مورد در زمان رضاخان اعمال شده بود، ولی امروزه بازهم شاهد آن - در قسمتی از مناطق ترک نشین - هستیم)
۲. آتش زدن کتابهای ترکی (در زمان رضاخان)
۳. دادن تئوریهای بیپهدهای مثل تئوریهای احمد کسروی ها، محمود افشارها، آسیمولاسیونها و ...
۴. ترویج پان فارسیسم و سعی در حذف هویت قومیتها و ملل غیرفارس ایرانی (با روشهای مختلف)
۵. عدم اجرای اصول معطله قانون اساسی
۶. دادن طرح آسیمولاسیون برای ریشه کن کردن زبانهای غیر فارس در ایران
۷. توهین و تحقیر اقوام و ملل غیر فارس ایرانی به صورتهای مختلف در رسانه های جمعی
۸. انگ زنی به حرکتها و فعالیتهای خودجوش مردمی و دانشجویی غیر فارس، که برای حفظ فرهنگ و هویت خود انجام می دهند

آینده منتظر ماست!

زهره وفایی

دولت هایی که اساس کار آنها خالی از آینده نگری و دور اندیشی است. بیشترین قربانیان را از خلق های خود و بیشترین زیان را از دارایی های خود هزینه این سهل انگاری می نمایند.

انسان هایی که بدین واسطه هلاک گردیده اند، انسان هایی که آواره گشته اند، انسان هایی که بدون امیدواری به ساعتی بعد حتی، روزگار می گذرانند فجع ترین وجهه ای است که از این سیاست القای نظم نوین جهانی و در برابر آن سیاست سرکوب با عناوین مشروعیت و مقبولیت هر روز و هر ساعت به نمایش در می آید. فاجعه «قارباغ» نزدیک ترین آن در روزهای گذشته و «فاجعه کردستان» مستقل نزدیکترین آن در روزهای آینده می باشد که با فشارهای دوله پروسه استعمار و پروژة ناتوان نگاه داشتن مردم به اجرا درآمده است و به یقین در خواهد آمد.

با تکیه و استناد بر سوابق تاریخی همسایگی کردان و ارمنه با آذربایجان و آذربایجانی، می توان صدای زنگ های خطرانی هولناک را شنید که در آن خبر از نابودی آذربایجان و هلاکت و خواری آذربایجانی است و بس. نقشه های شوم کردستان بزرگ و ارمنستان بزرگ که مدتهاست در این منطقه (شمال غرب) بی



هیچ مانعی از سوی مسئولان محلی، چاپ و پخش می گردد و تا آنجا پیش می رود که نماینده مشروع مجلس نیز از این تریبون تصدیق چنین نقشه هایی را می نماید، حکایت واضحی از رضایت درونی کسانی است که از سال ها پیش درصدد تغییر نقشه جغرافیایی و انسانی و مذهبی منطقه بوده اند و با خولیای (جدا نمودن آذربایجان از دنیای ترک ها) زمینه را برای ابراز وجود اقوام دیگر آریایی (!!!) به هر نحوی از انحاء حتی در سایه جنایت، غارت، قتل و کشتار و حق کشی ها علنی فراهم نموده اند. با عینیت یافتن چنین حقایقی، چگونه می توان از پان فارسیست های مرکز نشین که در نفاذ اصلاحات و دموکراسی، عاملان بالقوه نظم نوین به سبک و سیاق باستانی خویش می باشند توقع داشت که برای آرامش بخشیدن به شرایط بحرانی مناطقی وسیع از آذربایجان که ترکیب قومی و ملی آن در سایه مهاجرت هایی از پیش تعیین شده، مخدوش گردیده است، اقدامی مفید حال اهالی نمایند؟

حضور این میهمانان متوقع در حقیقت آسایش را از مالکان اصلی این مناطق گرفته است و دغدغه های روحی زاده از این شرایط بحرانی، اگر چاره ای جدی و عملی اندیشیده نشود، فاجعه آفرین خواهد بود. فاجعه ای که بیشترین قربانی را کماکان از آذربایجان و آذربایجانی خواهد گرفت.

تاریخ بی وقفه در جریان است و سهل انگاری برخی و شتاب برخی دیگر تغییراتی را در مسیر این جریان بوجود می آورد که اگر باعث خوش کامی برخی می گردد به یقین بر تلخ کامی گروهی دیگر می انجامد.

آذربایجان بعنوان منطقه ای و با پیشینه ای کهن روزهای سختی را از این جریان تجربه نموده است. بویژه در تاریخ معاصر، دو قرن اخیر، حوادث و افت و خیزهای مشهود و ملموس زیادی در این منطقه به وقوع پیوسته است که متأسفانه بانی و عامل اصلی این حوادث زیان بار و تلخ، همواره دولت های مرکزی و یا دول همسایه بوده اند. چه در روزهایی که پادشاهان و سلطانان در مراکز و پایتخت های خود آسوده خیال مشغول عیش و نوش بودند و چه در روزهایی که کشور گرفتار جنگ و جدال بود، آذربایجان بعنوان منطقه ای غنی و پر بار و از سویی دیگر مرزدار و استراتژیک، میدان تاخت و تاز قوایی بوده است که حامل هر هدفی بودند الا آبادانی آذربایجان و آسایش آذربایجانی. این امر نه یک ادعای صرف، بلکه بر اساس شواهد انکار ناپذیر تاریخی مسجل است. به هر حال مرزبانی کشوری وسیع، آنهم

همیشه با دستی خالی و دور از حمایت های مرکزی، امروزه آذربایجان را به چنین مرحله ای رسانده که برای بیان دردهای ملت خود نیز فاقد یک حزب رسمی، یک تریبون آزاد، یک فرستنده رادیویی، یک کانال تلویزیونی و حتی یک فقره روزنامه مستقل می باشد و تمامی این احجافات و تنگناها در عصر و شرایطی برای این مردم تحمیل می شود که همسایگان آن علیرغم مهاجر بودن و غیر بومی بودن، خود را تا دندان مسلح نموده اند و از هر ابزاری برای اجرای مقاصد شوم خود نهایت استفاده را می نمایند.

نیازی به تکرار حوادث سده اخیر در این مجال کوتاه نمی باشد، چرا که این حوادث و به اصطلاحی صحیح تر این فجایع هنوز هم پس از گذشت سالها نقل محافل سیاسی و تاریخی جهان است. و اگر ما این نقل ها را همانند داستانی برای در خواب نمودن اهالی منطقه بازگو می کنیم، فرصت طلبان آینده نگر، از این حوادث برای گام های آتی خود سود بهتری می طلبند و برنامه های دقیق تر می ریزند.

نظم های نوین جهانی که در حقیقت حکایت همان استعمار کهنه کار و خباثت پیشه می باشد، امروزه با توسل به ابزار فنی و علمی، طعمه های مرغوب را سریع تر در می یابد و سهل تر مالک می شود. برنامه های تدوین یافته از سوی چنین مجامعی با عنوان هایی فریبنده بیش از آنکه ملت ها را بفریبند، دولت ها را به رخوت گرفتار می نماید. بویژه

تقویم:

قوج (فروردین):

۱۹- شیخ محمد خیابانی حرکتین باشلانیشی ۱۲۹۹

Oyrenci
اویرنجی
Baxissi
باخیشی

بوغا (اردیبهشت):

۷- اورمودا شیطان آوا ایله داش آغیل کندلری - نین جمعیتین

ایسماعیل سیمیتقو ایله قتل عام ائدیلمه سی ۱۲۷۸

مصاحبه با کمال باجالان نماینده جبهه ترکمن های عراق

مشخص و روشن کردند. در کشورهایی که ترکمن ها زندگی می کنند برای مثال ایران مخالف حمله آمریکا، افغانستان که در آنجا نیز ۳ میلیون ترکمن زندگی می کنند از اقدام حمله آمریکا به عراق حمایت کرده و ترکمنستان اولین کشور دنیاست که خبر جنگ را پس از ساعت ها بوقوع پیوستن آن پخش نکرده و معلوم نیست چه موضعی دارد، جبهه ترکمن های عراق چه انتظاری از کشورهای همسایه دارد؟

کمال باجالان: ایران کشور همسایه ماست و ما همیشه به کمک و همکاری این کشور نیاز داریم و در آینده نیز نیاز خواهیم داشت و ترکمن های عراق ارتباط خوبی هم با شیعه ها دارند و امیدواریم که بتوانیم روابط دوستانه مان را با آنها ادامه بدهیم. خواست ما این است که این کشورهای دوست به ما کمک کنند. در مورد ترکمنستان انتظار داریم به ما کمک کنند.

شیرمحمدی: آیا شما تابحال از دولت ترکمنستان کمکی دریافت کردید؟

کمال باجالان: خیر، ولی امیدواریم به ما کمک شود.

شیرمحمدی: آیا ترکمن های عراق با سپاه بدر که به اصطلاح بازوی مسلح مجلس

اعلای انقلاب عراق" است همکاری می کند؟

کمال باجالان: خیر.

شیرمحمدی: ارزیابی جبهه ترکمن های عراق از این نیروی مسلح چیست، شما

مخالف هستید؟

کمال باجالان: در عراق اگر یک سیستم و نظام دموکراتیک حاکم شود، بسیاری از گروهها امکان رشد و توسعه خواهند داشت و اینها مسائلی است مربوط به آینده کشور. در یک نظام دموکراتیک گروهها و نیروهای رادیکال جانی نخواهند داشت.

شیرمحمدی: خواست ترکمن های عراق چیه؟

کمال باجالان: ما به عنوان بخشی از اپوزسیون عراق خواستار یک نظام فدرالیسم در چارچوب کشور هستیم. ترکمن های عراق خواستار تمامیت ارضی کشور و همچنین خواهان تساوی حقوق برابر با ملیت های دیگر هستند و نه تنها ما بلکه همه گروههای دینی مثل آشوری ها و کلدانی ها هم باید برابر حقوق باشند.

منبع: gooya.com 2003/3/22 به نقل از turkmensahra.com

شیرمحمدی: آقای کمال باجالان شما از آخرین وضعیت ترکمن های عراق چه اطلاعاتی می توانید به ما بدهید؟

کمال باجالان: ترکمن های عراق طبق اطلاعاتی که ما از شهرهای ترکمن نشین داریم خارج نشدن و سیاست جبهه ترکمن های عراق که بخشی از اپوزسیون کشور را تشکیل می دهد این بوده است که ترکمن ها تا آنجا که امکان دارد نباید از محل زندگی خود خارج شوند و ما از آنها می خواهیم که مهاجرت نکنند.

شیرمحمدی: آیا جبهه ترکمن های عراق در خارج از عراق هم فعالیت دارد؟

کمال باجالان: ما در اروپا از جمله در شهرهای لندن و برلین همچنین در آنکارا و در واشنگتن نیز از طریق نمایندگان جبهه ترکمن های عراق یک سری تماس و ارتباطاتی داریم. ما در این شهرها نیز دفتر جبهه ترکمن های عراق را افتتاح کرده ایم و سالهاست که فعالیت داریم. البته باید به حضورتان عرض کنم که دفتر مرکزی ما در شهر اربیل است و فعالیت اصلی جبهه در داخل کشور است.

شیرمحمدی: بسیاری از ایرانی ها اطلاعی از ترکمن های عراق ندارند و برخی ها

هم حتی پس از بحران عراق برای اولین بار اطلاع یافتند که در کشور عراق اقلیت

ملی و قومی ترکمن زندگی می کنند، خواهشمندیم توضیح دهید که ترکمن های

عراق در کجا زندگی می کنند و تعداد جمعیت آنها چقدر است؟

کمال باجالان: آمار دقیقی متأسفانه نمی توانم ارائه بدهم، اما در منابع غیر رسمی ولی معتبر جمعیت ترکمن های عراق ۳ میلیون ثبت شده است. بعد از عربها و کردها ترکمن ها سومین گروه اتنیک ساکن عراق هستند. البته ترکمن ها تاریخچه طولانی دارند و در تاریخ کشورمان عراق نیز ۶ بار حکومت داشته اند. ترکمن های عراق در شهرهای کرکوک، موصل و اربیل زندگی می کنند. در شهر اربیل ۳۰۰ هزار نفر و در شهر کرکوک و اطراف آن که مرکز ترکمن های عراق است بیش از یک میلیون ترکمن زندگی می کنند. در سالهای گذشته رژیم عراق با کوچ دادن اجباری تلاش کرد که ترکیب جمعیتی این شهر را تغییر دهد و هویت ترکمن ها را نابود کند. علیرغم اقدامات قوم زدائی رژیم صدام، ترکمن ها هنوز در کرکوک و اطراف آن توانسته اند نقش تعیین کننده ای داشته باشند و توانسته اند هویت خود را حفظ کنند.

شیر محمدی: همانطور که اطلاع دارید برخی از کشورها موضع گیری خود را

گفته های مسئول جبهه ترکمن های عراق

مصطفی ضیا مسئول جبهه ترکمن های عراق در آخرین خبرهایی هائی که رسیده اعلام کرده است که ترکمن های عراق در هیات ۷ نفره اپوزسیون نماینده ای ندارد. این هیئت قرار است در آینده عراق نقش مهمی را ایفا کند. از جمله وظائف این هیات تصمیم گیری در مورد آینده کشور عراق است. ترکمن ها و کردها بر اساس توافقی که کردند قرارداد شهر نفت خیز کرکوک تحت کنترل نیروهای آمریکائی قرار بگیرد و این امر برای اپوزسیون عراق یک پیروزی محسوب می شد.

مشارکت ملیت های ساکن عراق در سرنوشت کشور برای دموکراتیزه شدن جامعه عراق اهمیت حیاتی دارد. ترکمن های عراق هم خواستار تقسیم قدرت، عدم تمرکز و یک نظام فدرال در کشور شدند. حتی آقای باقرحکیم که چمدانش را بسته و مستقیم از تهران عازم بغداد می شود، در آخرین مصاحبه اش اعلام کرده است فقط ملل فدرالیسم کشور آلمان را می پذیرد، آقای احمد چلبی بقول روزنامه همشهری "کرزای عراق" نیز فدرالیسم را نه بر اساس قومیت، بلکه بر اساس تقسیمات جغرافیائی قبول دارد. سرنوشت هر تعریف و هر تصویری از فدرالیسم بستگی به عدم تمرکز و تقسیم عادلانه قدرت خواهد داشت و آیا اپوزسیون عراق پتانسیل پذیرش تقسیم عادلانه قدرت در کشور را خواهد داشت؟

منبع: gooya.com 2003/3/22